92785 ـ بیانیه‌ی هیات علمای بلندپایه درنکوهش زیاده‌روی درتکفیروآثارخطرناک آن:

سوال

دراین روزها مشاهده می‌کنیم که برخی جوانان به شتاب درتکفیردچارشده و وارد این لغزشگاه خطرناک شده‌اند و در پی آن مواردی رخ داده که عاقبت خوبی ندارد و به زیرپاگذاشتن جان و آبروی مردم منجرمی‌شود؛ دراین شرایط نصیحت شما شیخ بزرگوار چیست؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

بدون شک عجله در امر تکفیر و سهل‌انگاری در مورد جان و آبروی مردم از خطرناک‌ترین لغزشگاه‌هایی است که ممکن است جوانان به سبب تزیین شیطان و مکر او به آن دچار شوند؛ زیرا درباره‌ی چنین مسائل بزرگی تنها علمای راسخ باید سخن بگویند و کسی که بدون علم وارد چنین مسائلی شود در حقیقت وارد فتنه شده و در گمراهی سرنگون شده زیرا اشتباه در چنین مسائلی مانند اشتباه در دیگر موارد نیست؛ اشتباه در این مساله یعنی خارج کردن مسلمان از دین و هدر دانستن خون و حلال شمردن مال و آبرویش. برای همین برای هر مسلمانی واجب است از وارد شدن به این راه خودداری کند و پیش از سخن گفتن در اینگونه مسائل در راه طلب علم و ملازمت علما و فهم‌اندوزی در دین کوشا باشد.

ازسوی هیات علما یکبار در این مورد نصیحتی بلیغ و بیانی شافی صادر شده که نص آن چنین است:

«الحمدلله والصلاة و السلام علی رسول الله و علی آله و صحبه و من اهتدی بهداه. امابعد:

جلسه‌ی هیات علمای بلندپایه در دوره‌ی چهل ونهم که از تاریخ ۲/ ۴/ ۱۴۱۹ در طائف منعقد گردید به بررسی حوادثی که در بسیاری از کشورهای اسلامی و غیراسلامی رخ می‌دهد از جمله تکفیر و انفجار و خون‌ریزی و تخریب مبانی و سازه‌ها که در پی آن اتفاق افتاده پرداخته و نظر به خطورت این امر و جان باختن بی‌گناهان و تخریب اموال محافظت شده و ترساندن مردم و به خطر افتادن امنیت و استقرار آنان این مجلس به هدف نصیحت برای الله و برای بندگانش و انجام تکلیف و از بین رفتن هرگونه ابهام ـ نزد کسانیکه در این‌مورد دچار شبهه شده‌اند ـ تصمیم به انتشار این بیانیه نموده. بنابراین با توفیق پروردگار می‌گوییم:

اولا: تکفیر یک حکم شرعی است که همانند حلال دانستن و تحریم و وجوب مرجعِ آن الله و فرستاده‌ی اوست. تکفیر نیز چنین است [و باید از سوی خدا و پیامبر او باشد.]

همچنین هر گفتار یا کرداری که [در کتاب و سنت] کفر نامیده شده به معنای کفر اکبرِ خارج کننده از دین نیست.

و از آنجایی که مرجع حکم تکفیر الله و پیامبر اوست جایز نخواهد بود کسی را کافر بدانیم مگر آنکه کتاب و سنت به طور واضح دلالت بر کفر او داشته باشد. بنابراین مجرد شبهه یا گمان برای تکفیر [مسلمانان] کافی نیست زیرا احکام خطیری برآن مترتب می‌شود.

وقتی حدود با شبهه کنار زده می‌شود ـ با آن که نتایجی کمتر از تکفیر بر آن مترتب می‌گردد ـ من بابا ولی تکفیر نیز با شبهه کنار زده می‌شود.

به همین سبب است که پیامبر ـ صلی الله علیه و سلم ـ از کافر دانستن کسی که کافر نیست بر حذر داشته و فرموده است: هرکس که به برادرش بگوید: ای کافر یکی از آن دو گرفتارش خواهند شد اگرآن طور است که گفته [و طرف مقابل واقعا کافر است مشکلی نیست] وگرنه به خودش بازمی‌گردد. (متفق علیه و این لفظ مسلم است)

و در لفظ دیگری نزد مسلم روایت است که: اگر شخص برادرش را تکفیر کند [آن کفر] به یکی از آن دو باز می‌گردد. (متفق علیه به روایت ابن عمر رضی الله عنهما).

ممکن است در کتاب و سنت نصوصی آمده باشد که از آن فهمیده شود سخن یا کار یا اعتقادی کفر است اما با این وجود کسی که این گفتار یا کردار یا اعتقاد از وی سر زده به دلیل وجود یک مانع کافر دانسته نشود.

این حکم ـ یعنی حکم تکفیر ـ مانند دیگر احکام شرعی است که تنها با وجود اسباب و شروط و از بین رفتن موانعش اثبات می‌شود.

به عنوان مثال در حکم شرعی ارث سبب آن قرابت و خویشاوندی است اما ممکن است خویشاوندی به سبب وجود یک مانع مانند اختلاف در دین ارث نبرد. در مورد کفر نیز امکان دارد مسلمانی به اکراه کفر گفته باشد که در این صورت کافر دانسته نمی‌شود.

همینطور شاید مسلمانی به سبب غلبه‌ی شادی یا خشم یا دیگر عوامل [بدون نیت] زبانش بر وی سبقت بگیرد و سخن کفرآمیز بگوید اما به سبب آن کافر دانسته نشود چنانکه در حدیث آمده که: خداوندا! تو بنده‌ی منی و من پروردگارتو؛ و از شدت شادی اشتباه می‌کند. [به روایت مسلم از انس بن مالک رضی الله عنه].

شتاب در تکفیر به عواقب خطرناکی منجر خواهد شد از جمله حلال شمردن خون و مال و منع از ارث بردن و فسخ ازدواج و دیگر موارد...

بنابراین یک مومن چگونه می‌تواند با کوچک‌ترین شبهه‌ها اقدام بهتکفیر کسی نماید؟

این مساله درباره‌ی حاکمان و والیان امر شدیدتر است زیرا سرکشی وشورش علیهآنان ومواجه‌ی مسلحانه باعث آشوب و خونریزی و تباهی سرزمین‌ها می‌شود. به همین سبب پیامبر ـ صلی الله علیه و سلم ـ از روبرو شدن با حاکمان نهی نموده: مگر آنکه کفری آشکار ببینید که برای آن از سوی الله دلیلی [آشکار] دارید. (متفق علیه ازعبادة رضی الله عنه).

این سخن رسول الله ـ صلی الله علیه و سلم ـ که می‌فرماید: مگر آنکه کفری آشکار ببینید. نشان‌دهنده‌ی این است که مجرد گمان و شایعه [برای تکفیر حاکمان] کافی نیست و اینکه می‌فرماید: کفری... یعنی فسق و [گناه] حتی اگربزرگ باشد مانند ستم و نوشیدن خمر و قماربازی و تبعیض حرام [برای خروج بر حاکم و کافر دانستنش] کافی نیست. واین قسمت از حدیث که می‌فرماید: آشکار یعنی کفر غیر آشکار کافی نیست بلکه باید علنی و واضح باشد.

و آنجا که می‌فرماید: برای آن از سوی الله برهانی داشته باشید. یعنی دلیلی صریح یعنی صحیح الثبوت و صریح الدلالة باشد.

بنابراین دلیلی که سندش ضعیف باشد یا معنایش مبهم باشد کافی نیست.

و آنجا که می‌فرماید: از سوی الله یعنی قول هیچ عالمی ـ هر چند در علم و امانتداری مقامی والا داشته باشد ـ اگر دلیلی صریح و صحیح از کتاب الله یا سنت رسول الله ـ صلی الله علیه و آله وسلم ـ نداشته باشد معتبر نیست.

این قیود نشان‌دهنده‌ی اهمیت و خطورت این مساله است.

خلاصه سخن اینکه: خطر شتاب در مساله‌ی تکفیر بسیار بالاست چرا که الله متعال می‌فرماید:

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالإِثْمَ وَ الْبَغْيَ بِغَيْرِالْحَقِّ وَأَن تُشْرِكُواْ بِاللّهِ مَالَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَ أَن تَقُولُواْ عَلَى اللّهِ مَا لاَتَعْلَمُونَ. (الأعراف: ٣٣)

(بگو پروردگار من تنها زشتکاری‌ها را چه آشکار و چه پنهان و گناه و ستم ناحق را حرام گردانیده است و (نیز) این که چیزی را شریک الله سازید که دلیلی بر (حقانیت) آن نازل نکرده و اینکه چیزی را که نمی‌دانید بهالله نسبت دهید).

ثانیا: نتایج این اعتقاد اشتباه از جمله حلال شمردن خون‌ها و زیر پا نهادن نوامیس و سلب اموال شخصی و عمومی و انفجار خانه‌ها و وسایل نقلیه و تخریب ساختمان‌ها است که این کارها ـ و مانند آن ـ به اجماع مسلمانان شرعا حرام است زیرا حرمت جان‌های معصوم و حرمت اموال و امنیت و استقرار و جان مردمی که در خانه‌های خود و در رفت و آمدشان باید در امان باشند را نقض می‌کند و همینطور منافع عمومی مردم را که در زندگی خود به آن نیازمندند.

اسلام اموال و نوامیس و جان‌های مسلمانان را در امان داشته و هتک هر یک از این‌ها را حرام دانسته و در این باره تاکید نموده. و این از جمله آخرین توصیه‌هایی است که پیامبر ـ صلی الله علیه و سلم ـ به امت خویش ابلاغ نموده آنجا که در خطبه‌ی حجةالوداع فرمود: خون‌ها و اموال و آبروهای شما بر شما حرام است همانند حرمت این روز در این ماه در این

سرزمین.

سپس فرمود: آیا ابلاغ نمودم؟ خداوندا تو شاهد باشد. (متفق علیه به روایت ابوبکر رضی الله عنه).

همچنین پیامبر ـ صلی الله علیه و سلم ـ می‌فرماید: همه [چیز] یک مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است؛ جانش و مالش و آبرویش. (به روایت مسلم از ابوهریره رضی الله عنه.)

و می‌فرماید: از ظلم بترسید چرا که ظلم تاریکی‌های روز قیامت است. (به روایت مسلم از جابررضی الله عنه.)

خداوند متعال نیز کسی را که بی‌گناهی را به قتل برساند مورد سخت‌ترین تهدیدها قرار داده و فرموده است:

وَ مَن يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَآؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَ غَضِبَ اللّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا. (النساء: ۹۳)

(و هر کس مومنی را عمدا بکشد کیفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود. و الله بر او خشم می‌گیرد و لعنتش می‌کند و عذابی بزرگ برایش آماده ساخته است).

اگر کافری که دارای امان است در صورت کشته شدن به اشتباه دیه و کفاره بر قاتلش لازم می‌شود کشتنش به عمد چگونه است؟ بی‌شک این جنایتی بزرگتر است و گناهش نیز بیشتر.

از رسول الله ـ صلی الله علیه و سلم ـ ثابت شده که فرمودند: هر که کافر اهل پیمانی را بکشد بوی بهشت را حس نخواهد کرد. (متفق علیه به روایت عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما.)

ثالثا:

این مجلس با بیان حکم تکفیر مردم ـ بدون دلیل از کتاب الله و سنت پیامبر ـ صلی الله علیه و سلم ـ و خطر تکفیر بی‌لجام و عواقل بد و گناهانیکه در پی دارد به جهانیان اعلام می‌دارد که اسلام از این عقیده‌ی اشتباه بیزار است و آنچه در برخی سرزمین‌ها رخ می‌دهد از جمله کشتن بی‌گناهان و انفجار خانه‌ها و وسائل نقلیه و ساختمان‌های عمومی و خصوصی و تخریب مبانی رفتاری است جنایتکارانه که اسلام از آن بیزار است و عملکرد کسانی است که اندیشه‌ای منحرف و عقیده‌ای گمراه دارند.

بنابراین خود این افراد گناه و جنایتشان را بر دوش می‌کشند و جنایتش به حساب اسلام یا مسلمانانی که بر راه و روش اسلام و پایبند به کتاب و سنت و ریسمان محکم پروردگار هستند نوشته نمی‌شود بلکه فساد محض و جنایتی است که شریعت و فطرت از آن ابا دارند و به همین سبب نصوص شریعت دال بر تحریم آن است و از مصاحبت و همراهی با اهل آن باز داشته است:

الله متعال می‌فرماید:

وَ مِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يُشْهِدُاللّهَ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَ هُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ (۲۰۴) وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَاللّهُ لاَيُحِبُّ الفَسَادَ (۲۰۵) وَ إِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَ لَبِئْسَ الْمِهَادُ

(و از میان مردم کسی است که در زندگی این دنیا سخنش تو را به تعجب وامی‌دارد و الله را بر آنچه در دل دارد گواه می‌گیرد و حال آنکه او سخت‌ترین دشمنان است (۲۰۴) و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و الله تباهکاری را دوست ندارد (۲۰۵) و چون به او گفته شود از الله پروا کن نخوت وی را به گناه کشاند پس جهنم برای او بس است و چه بد بستری است) [بقرة: ۲۰۴ – ۲۰۶]

بر مسلمانان ـ در هر جایی ـ واجب است که یکدیگر را به حق توصیه کنند و برای یکدیگر خیرخواهی نمایند و در راه نیکی و تقوا و امر به معروف و نهی از منکر از روی حکمت و پند نیک و گفتگو به بهترین روش با یکدیگر همکاری نمایند همانگونه که الله ـ سبحانه و تعالی ـ می‌فرماید:

وَتَعَاوَنُواْ عَلَى الْبرِّ وَ التَّقْوَى وَ لاَتَعَاوَنُواْ عَلَى الإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُواْ اللّهَ إِنَّ اللّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. [المائده: ۲]

(و در (راه) نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تجاوزگری دستیار هم نشوید و از الله پروا کنید که الله سخت کیفر است.)

و می‌فرماید:

وَالْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاء بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلاَةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللّهَ وَ رَسُولَهُ أُوْلَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللّهُ إِنَّ اللّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. [التوبه: ۷۱]

(و مردان و زنان مومن دوستان یکدیگرند؛ به کارهای پسندیده امر می‌کنند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و نماز را برپا می‌کنند و زکات می‌دهند و از الله و پیامبرش فرمان می‌برند؛ آنانند که الله به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که الله توانا و حکیم است.)

و پیامبر ـ صلی الله علیه وآله وسلم ـ می‌فرماید: دین نصیحت است. این را سه بار تکرار فرمودند گفتند: برای چه کسی ای پیامبر خدا؟ فرمود: برای الله و برای پیامبرش و برای فرمانروایان مسلمان و عموم آنان. (به روایت مسلم از تمیم داری رضی الله عنه).

و می‌فرماید: مثال مومنان در محبت و رحمت و دلسوزی‌شان میان هم همانند یک بدن است که اگر عضوی از آن دچار درد

شود دیگر اعضا با بی‌خوابی و تب با آن همدردی می‌کنند. (متفق علیه از حدیث نعمان بن بشیر رضی الله عنهما).

از الله سبحانه و تعالی با توسل به نام‌های نیک و صفات والایش مسالت داریم که بلا را از همه‌ی مسلمانان دور گرداند و والیان امور مسلمانان را به سوی آنچه صلاح بندگان و سرزمین‌ها است موفق گرداند و آنان را در راه از بین بردن فساد و مفسدین یاری دهد و به واسطه‌ی آنان دینش را یاری دهد و کلمه‌اش را والا گرداند و اوضاع همه‌ی مسلمانان را ـ هر جا که هستند ـ به صلاح آورد و حق را به دست آنان یاری دهد چرا که او بر این کار تواناست.

درود پروردگار بر پیامبرمان محمد و بر آل و اصحاب او باد.»

والله اعلم.